

مفهوم عید در فرهنگ اسلامی



در روایات معصومین (علیهم السلام) نیز بارها به این موضوع اشاره شده است، هم چنان که گذشت، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هر روزی که در آن معصیت و گناه نشود، را روز عید خوانده است.

از سوی دیگر بن غفله نقل شده است که گفت: در روز عید بر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وارد شدم و دیدم که نزد او نان گندم و خطیفه (۶) و ملبه (۷) است. پس به آن حضرت عرض کردم: روز عید و خطیفه؟!.

پس از آن حضرت فرمود: انما هذا عید من غفرله، این عید کسی است که آمرزیده شده است. (۸)

و نیز در یکی از اعیاد، آن حضرت فرمود: «انما هو عید لمن قبل الله صیامه، و شکر قیامه، و کل یوم لایعصى الله فیه فهو یوم عید»، «امروز تنها عید کسی است که خداوند روزه اش را پذیرفته، عبادتش را سپاس گزارده است، هر روزی که خداوند مورد نافرمانی قرار نگیرد، عید راستین است.»

در روایات اسلامی برای اعیاد به ویژه اعیاد مذهبی از جمله عید فطر، آداب و رسوم خاصی توصیه شده، در حدیثی از معصوم (علیه السلام) آمده است:

«زینوا اعیادکم بالتکبیر» عیدهای خودتان را با تکبیر زینت بخشید.
«زینوا العیدین بالتهلیل و التکبیر و التمجید و التقدیس» عید فطر و قربان را با گفتن ذکر «لا اله الا الله»، «الله اکبر»، «الحمد لله» و «سبحان الله»، زینت بخشید.

پی نوشت ها:

۱. دهخدا، ذیل عید، زبیدی، تاج العروس، ۴۳۸/۸ - ۴۳۹
۲. ابن منظور، لسان العرب، ۳۱۹/۹
۳. ابن منظور، همان جا، زبیدی / تاج العروس، ۴۳۸/۸
۴. ابن منظور، همان جا - زبیدی، ۸۳۹/۸
۵. تفسیر نمونه، ۱۳۱/۵
۶. خوراکی از آرد و شیر.
۷. غذا یا حلوايي که با شیر تهیه می شود.
۸. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰ / ص ۷۳
۹. جمعی از نویسندگان رمضان، تجلی معبود (ره توشه راهبان نور) ص ۲۴۵ برگرفته از:

www.imamalin.net/vigenam/ramazan/farsi/r1a.htm

واژه‌ی عید در اصل از فعل عاد (عود) یعود اشتقاق یافته است. معانی مختلفی برای آن ذکر کرده اند، از جمله «خوی گرفته»، «هرچه باز آید از اندوه و بیماری و غم و اندیشه و مانند آن»، «روز فراهم آمدن قوم»، «هر روز که در آن، انجمن یا تذکار فضیلت مند یا حادثه‌ی بزرگی باشد». گویند، از آن رو به این نام خوانده شده است که هرسال شادی نوینی باز آرد. (۱)

ابن منظور در لسان العرب گفته است که برخی بر آن هستند که اصل واژه‌ی عید از «عاده» است، زیرا آنان (قوم)، بر جمع آمدن در آن روز، عادت کرده اند. (۲) چنان که گفته شده است: القلب یعتاده من حبتها عید.

و نیز «یزید بن حکم ثقفی» در ستایش «سلیمان بن عبدالملک» گفته است: امسی باسماء هذا القلب معمودا اذا اقول صحا یعتاده عیدا (۳)

به گفته‌ی «ازهری»: عید در نزد عرب، زمانی است که در آن شادی‌ها و یا اندوها، باز می گردد و تکرار می شود. این اعرابی آن را منحصر به شادی‌ها دانسته است. (۴)

واژه‌ی عید، تنها یک بار در قرآن به کار رفته است:

اللهم انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عیدا لاولنا و آخرنا و آية منك (سورة مائدة / آیه ۱۱۴) در تفسیر نمونه، ذیل این آیه گفته شده است: «عید، در لغت از ماده‌ی عود به معنی بازگشت است، و لذا به روزهایی که مشکلات از قوم و جمعیتی بر طرف می شود و بازگشت به پیروزی‌ها و راحتی‌های نخستین می کند، عید گفته می شود و در اعیاد اسلامی به مناسبت این که در پرتو اطاعت یک ماه مبارک رمضان و یا انجام فریضه‌ی بزرگ حج، صفا و پاکی فطری نخستین به روح و جان باز می گردد، و آلودگی‌ها که برخلاف فطرت است، از میان می رود، عید گفته شده است و از آن جا که روز نزول مائدة روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است، حضرت مسیح (علیه السلام) آن را عید نامیده و همان طور که در روایات وارد شده، نزول مائدة در روز یکشنبه بود و شاید یکی از علل احترام روز یکشنبه در نظر مسیحیان نیز همین بوده است، و اگر در روایتی که از علی (علیه السلام) نقل شده می خوانیم «و کل یوم لایعصى الله فیه فهو یوم عید» هر روز که در آن معصیت خدا نشود، روز عید است» نیز اشاره به همین موضوع است، زیرا روز ترک گناه، روز پیروزی و پاکی و بازگشت به فطرت نخستین است. (۵)